



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات انگلیسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته زبان شناسی همگانی

**عنوان:**

**بررسی ممیزهای عدد در گروه حرف تعریف کردی کلهری براساس برنامه کمینه گرا**

استاد راهنما:

دکتر خسرو غلامعلی زاده

استاد مشاور:

دکتر شجاع تفکری رضایی

نگارش:

کبری نظری

اسفند ماه ۱۳۹۱

## چکیده

در این پژوهش، ساختار نحوی ممیزهای عدد در گروه حرف تعریف زبان کردی کلهری در چارچوب برنامه کمینه‌گرا بررسی می‌شود. ممیزهای عدد تکواژهایی هستند که هنگامی که اسم توسط یک عدد مورد شمارش قرار می‌گیرد به همراه اسم به کار می‌روند. باتوجه به این که ممیزهای عدد در معنای گروه اسمی دخیل نیستند جزو همگانی‌های زبانی نبوده و در هر زبانی نمودی ویژه و خاص دارند. زبان کردی کلهری از جمله زبان‌هایی است که در ساختار اسمی خود دارای ممیز عدد است. در این پژوهش با تحلیل ویژگی‌های ساخت‌وازی و نحوی ممیزها در رابطه با سایر سازه‌های گروه حرف تعریف از جمله اعداد، نشان می‌دهیم که ممیزها خود هسته هستند، به این مضمون که اعداد و ممیزها به صورت هسته‌های نقشی جداگانه‌ای هستند که گروه ممیزی به عنوان متمم هسته عددی در مجاورت آن قرار می‌گیرد و در نتیجه ممیزها و اعداد هر یک دارای مشخصه‌های نحوی متمایزی هستند. در ادامه، ضمن ارائه توصیفی دقیق از مقوله‌های نقشی، به بررسی جایگاه گروه ممیزی به عنوان یکی از عناصر نقشی در ساختار نحوی گروه حرف تعریف می‌پردازیم و برای تبیین نقش ممیزها مدل‌های نوینی ارائه می‌دهیم تا براساس آن‌ها به تحلیل داده‌های مورد مطالعه پرداخته و در نهایت مشخص کنیم که کدام یک از مدل‌ها قادر به توصیف نقش عنصر ممیز در ساختار نحوی کردی کلهری است. در این راستا ابتدا مدل چیرچیا (۱۹۹۸) را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم؛ براساس این مدل، در زبان‌های ممیزی دلالت اسامی به صورت توده‌وار است و برای قابل‌شمارش کردن اسم‌ها به ممیز نیاز است و اسم‌ها در چنین زبان‌هایی معمولاً "جمع بسته نمی‌شوند. بررسی ویژگی داده‌های کردی کلهری از جمله وجود اسامی قابل‌شمارش و تکواژ شمار در این زبان و اختیاری بودن ممیز عدد، صحت این نظریه را در مورد توصیف نقش ممیزها رد می‌کند. بورر (۲۰۰۵) با ارائه تحلیلی ساختاری بر این باور است که تکواژ شمار و ممیزها در توزیع تکمیلی با هم هستند زیرا از گره یکسانی تجلی پیدا می‌کنند که گره انفراد است و نقش شمار و ممیزها منفرد کردن عناصر است. داده‌های کردی کلهری مؤید این است که تحلیل بورر در مورد این زبان صادق نیست و در برخی زبان‌ها از جمله کردی کلهری ممیز و نشانه جمع می‌توانند در یک ساختار یکسان به کار روند. مدل دیگری که در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد نظریه گبهارت (۲۰۰۹) است. باتوجه به این که در ساختار دستوری عناصر در برنامه کمینه‌گرا، هنگامی که عناصر تشکیل‌دهنده سازه اسمی از واژگان انتخاب می‌شوند مشخصه‌هایی در آن‌ها تعبیه شده است. در مدل گبهارت (۲۰۰۹) همسو با تعاریف به‌کاررفته در برنامه

کمینه‌گرا نقش ممیزهای عدد در کردی کلهری از راه بازیابی مشخصه‌هایی که در این عناصر تعبیه شده است مورد بررسی و تبیین قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: گروه حرف تعریف، ممیز عددی، کردی کلهری، سور، برنامه کمینه‌گرا

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
<b>فصل اول : طرح پژوهش</b>	
۱-۱	مقدمه ..... ۲
۲-۱	بیان مسأله ..... ۲
۳-۱	اهمیت مطالعه ..... ۳
۴-۱	پرسش‌های تحقیق ..... ۴
۵-۱	اهداف پژوهش ..... ۵
۶-۱	ساختار مطالعه ..... ۵
۷-۱	روش تحقیق ..... ۷
<b>فصل دوم : پیشینه مطالعات</b>	
۱-۲	مقدمه ..... ۹
۲-۲	ممیزها از دید معنایی ..... ۹
۳-۲	ممیزها از دید نحوی ..... ۱۵
<b>فصل سوم : چارچوب نظری</b>	
۱-۳	مقدمه ..... ۲۰
۲-۳	برنامه کمینه‌گرا ..... ۲۱
۱-۲-۳	ساخت دستور در برنامه کمینه‌گرا ..... ۲۳
۲-۲-۳	مقوله‌های واژگانی و نقشی ..... ۲۶
۳-۲-۳	تمایز میان مقوله‌های واژگانی و نقشی ..... ۲۹
۳-۳	گروه حرف تعریف ..... ۳۰

- ۳۱ ..... ۱-۳-۳ گروه اسمی
- ۳۷ ..... ۲-۳-۳ سیر تحول گروه اسمی به گروه حرف تعریف
- ۳۹ ..... ۳-۳-۳ ساختار گروه حرف تعریف

### فصل چهارم : ممیزهای عدد در گروه حرف تعریف کردی کلهری

- ۴۴ ..... ۱-۴ مقدمه
- ۴۵ ..... ۲-۴ ممیزهای عددی
- ۵۱ ..... ۱-۲-۴ ترتیب واژگانی
- ۵۳ ..... ۲-۲-۴ گروه ممیزی
- ۵۷ ..... ۳-۲-۴ هسته‌های نقشی ممیز و شمار
- ۶۷ ..... ۳-۴ جایگاه ممیز عدد در ساختار گروه حرف تعریف
- ۶۸ ..... ۱-۳-۴ سازه‌های گروه حرف تعریف
- ۷۳ ..... ۲-۳-۴ ساختار گروه حرف تعریف
- ۷۸ ..... ۳-۳-۴ گروه حرف تعریف در کردی کلهری
- ۸۲ ..... ۴-۴ الگوهای مختلف توصیف ممیزها
- ۸۲ ..... ۱-۴-۴ الگو چیرچیا (۱۹۹۸)
- ۸۹ ..... ۲-۴-۴ نظریه بورر (۲۰۰۵)
- ۹۳ ..... ۳-۴-۴ نظریه گبهارت (۲۰۰۹)
- ۹۸ ..... ۵-۴ بررسی مدل‌های ممیزی بر اساس داده‌های زبان کردی
- ۹۸ ..... ۱-۵-۴ بررسی مدل چیرچیا
- ۱۰۴ ..... ۲-۵-۴ بررسی مدل بورر
- ۱۰۶ ..... ۳-۵-۴ بررسی نظریه گبهارت
- ۱۱۰ ..... ۶-۴ نتیجه‌گیری و پیشنهادات

واژه‌نامه

۱۱۶ ..... واژه‌نامه فارسی - انگلیسی

۱۲۳ ..... واژه‌نامه انگلیسی - فارسی

۱۳۲ ..... منابع

## فهرست شکل‌ها

صفحه	شکل
۲۳ .....	۱-۳
۳۶ .....	۲-۳
۳۸ .....	۳-۳
۴۱ .....	۴-۳
۶۵ .....	۱-۴
۷۴ .....	۲-۴
۷۶ .....	۳-۴
۸۱ .....	۴-۴
۹۱ .....	۵-۴
۹۶ .....	۶-۴

## فهرست اختصارات

ACC: Accusative

ASP: Aspect

CL: Classifier

DEF: Definite

DEM: Demonstrative

NUM: Number

PL: Plural

PROG: Progressive

SG: Singular



# فصل اول

طرح پژوهش

## ۱-۱ مقدمه

زبان پدیده‌ای ذهنی و انتزاعی است و خاص نوع انسان است که به صورت گفتار و نوشتار تجلی و ظهور فیزیکی پیدا می‌کند و در واقع ارتباط زبانی یکی از فعالیت‌های طبیعی همه انسان‌هاست. از آنجا که انجام دادن این فعالیت مبتنی بر پیروی از الگوها و ساختارهای مشخص هر زبان است، می‌توان از اصولی سخن به میان آورد که در زبان جاری‌اند و از کنار هم قرارداد این الگوها و ساختارها نظامی شکل می‌گیرد که دستور زبان نامیده می‌شود (گلفام ۱۳۸۵: ۱). در مطالعات نوین زبان‌شناسی دستور بخشی از نظام شناختی ذهن انسان است و این نظام شناختی در ساختار ذهنی و روان‌شناختی همه انسان‌ها به‌طور طبیعی وجود دارد و یکی از محوری‌ترین وظایف زبان‌شناسان مطالعه و بررسی دستور زبان می‌باشد. دستورها معمولاً "مبتنی بر یک نظریه خاص زبان‌شناختی هستند و در پی اثبات و سنجش اعتبار نظریه خود می‌باشند. در این پژوهش نگارنده تلاش خواهد کرد تا بخشی از اصول حاکم بر دستور زبان را با توجه به برنامه کمینه‌گرای چامسکی بر مبنای داده‌های کردی کلهری ارائه دهد.

## ۲-۱ بیان مسئله

زبان‌های مختلف دنیا تفاوت‌ها و شباهت‌های بسیاری با یکدیگر دارند. از دیرباز تلاش بر این بوده که وجوه تمایز و تشابه زبان‌ها دسته‌بندی شده و در قالب خصوصیات جهانی و زبان‌ویژه بیان شوند و در تمام حوزه‌ها از جمله نحو و ساخت‌واژه، ساختارهای دستوری زبان‌ها بر اساس نظریات زبان‌شناسی نوین مورد تبیین و توصیف

قرار گیرند. موضوع مورد تحقیق در این پایان‌نامه بررسی و توصیف ممیزهای عددی به‌عنوان یکی از سازه‌های گروه حرف تعریف در کردی کلهری می‌باشد. ممیز<sup>۱</sup> تکواژی است مستقل که همواره با عدد همراه می‌شود و معدود یا هسته اسم را قابل شمارش یا قابل اندازه‌گیری می‌سازد. ممیزها جایگاه مشخصی را در ساختار اسمی به خود اختصاص می‌دهند و از نظر معناشناسی به‌نظر می‌رسد که در معنای گروه اسمی دخیل نیستند و به‌این دلیل که ممیزها جزو همگانی‌های زبانی نیستند در هر زبانی نمودی ویژه و خاص آن زبان را دارا هستند. ممیزها به‌عنوان یکی از عنصرهای موجود در گروه حرف تعریف، در مصاف با سایر عناصر دارای محدودیت همنشینی می‌باشند. زبان کردی کلهری علاوه بر واژه‌های اندازه‌گیری<sup>۲</sup> که با اسامی غیرقابل شمارش به‌کار می‌روند و ممیزهای کمی نامیده می‌شوند، دارای ممیزها یا طبقه‌نمایی است که به‌عنوان ممیزهای عددی با اسامی شمارپذیر به‌کار می‌روند. ممیزهای عددی عام در این زبان کاربردی بسیار وسیع دارند و حاوی مشخصه‌هایی هستند که بیان‌کننده نقش آن‌ها در ساختار اسمی می‌باشد.

### ۳-۱ اهمیت مطالعه

هر پژوهش زبان‌شناختی در هر سطح یا موضوعی که باشد می‌تواند نقشی در دستیابی به ناشناخته‌های زبانی داشته باشد. از آنجا که زبان کردی کلهری از جمله زبان‌هایی است که از لحاظ ویژگی‌های زبان‌شناختی، خصوصیات منحصر به فردی در آن به‌چشم می‌خورد که به‌عنوان پارامترهای این زبان قابلیت بررسی و مطالعه عمیق‌تری را در حوزه دستور زبان دارا می‌باشند بر این اساس و با توجه به این که در دهه‌های اخیر نظریه‌های نوینی در حوزه زبان‌شناسی مطرح گردیده است، شایسته است که داده‌های زبان کردی را در قالب این نظریات مورد

---

1. classifier  
2. measure words

ارزیابی و تحلیل قرار دهیم و مشخص کنیم که کدام یک از این نظریه‌ها قادر به توصیف و تبیین ویژگی‌های خاص موضوع مورد مطالعه می‌باشد و این توصیف‌ها خود ابزاری برای سنجش و محک اعتبار و کارایی نظریه‌های مطرح شده می‌باشند. نتایجی که از پژوهش‌هایی از این دست که به بررسی داده‌های زبانی خاص براساس نظریات نوین زبان‌شناسی می‌پردازند به دست می‌آید در حجم وسیع‌تری می‌تواند به ارائه دستوری برای زبان مورد مطالعه بینجامد که بر پایه دیدگاه‌های نوین و عام علم زبان‌شناسی مدون شده است. این درحالی‌است که عموماً "مطالعاتی که در زمینه دستور زبان و ساختار نحوی زبان کردی کلهری صورت گرفته‌اند اغلب نظریه‌مدار نبوده و از ویژگی‌های یک مطالعه علمی برخوردار نیستند. مزیت دیگری که این پژوهش می‌تواند داشته باشد این است که یافته‌های آن می‌تواند تأییدی بر اصول نظریه‌های مربوط یا دلیلی بر لزوم انجام جرح و تعدیل در مبانی این نظریه‌ها باشد. همچنین با توجه به مسئله فراموشی و انحلال زبان‌ها و گویش‌های مختلف که گویش کردی کلهری هم از جمله آن‌ها می‌باشد چنین مطالعاتی که با هدف تبیین و توصیف ساختارهایی که حاوی عناصر زبان‌ویژه هستند صورت می‌گیرند و به زوایایی از ویژگی‌های این زبان می‌پردازند که تاکنون مورد مطالعه و تحقیق علمی قرار نگرفته است اهمیت و ضرورت تام دارند.

#### ۴-۱ پرسش‌های تحقیق

در این پایان‌نامه به دنبال یافتن پاسخی برای این سؤالات هستیم:

۱. چه نوع ممیزهایی در ساختار اسمی زبان کردی کلهری وجود دارند؟
۲. براساس برنامه کمینه‌گرا، این عناصر جزو کدام یک از مقوله‌های نحوی محسوب می‌شوند؟
۳. ممیزها چه جایگاهی را در ساختار گروه حرف تعریف زبان کردی به خود اختصاص می‌دهند؟

۴. ارتباط، ترتیب و محدودیت همنشینی آن‌ها با سایر عناصر موجود در ساختار گروه حرف تعریف به چه

صورتی است؟

۵. این عناصر چه نقشی در ساختار اسمی برعهده دارند؟

#### ۱-۵ اهداف پژوهش

همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، در این پژوهش برآنیم تا بر مبنای برنامه کمینه‌گرای چامسکی، ساختاری از گروه حرف تعریف در زبان کردی کلهری ارائه‌دهیم که برطبق آن بتوان رفتار و جایگاه سازه‌های مختلف از جمله ممیز را در مصاف با سایر سازه‌ها تبیین کرد. با توجه به وجود ممیزهای عدد در زبان کردی کلهری به‌عنوان یکی از پارامترهای موجود در این زبان، به بررسی ویژگی‌ها و نقش آن‌ها در ساختار اسمی کردی کلهری می‌پردازیم و در این راستا نظریه و مدل‌های نوینی ارائه می‌دهیم تا براساس آن‌ها به تحلیل داده‌های مورد مطالعه پرداخته و در نهایت مشخص کنیم که کدام یک از نظریه‌ها قادر به توصیف نقش عنصر ممیز در ساختار نحوی کردی کلهری می‌باشد.

#### ۱-۶ ساختار مطالعه

ساختار این پایان‌نامه متشکل از چهار فصل می‌باشد؛ در فصل اول با عنوان طرح پژوهش، با ارائه تعریفی از موضوع مورد بحث به کلیات تحقیق پرداخته‌ایم. در فصل دوم به پیشینه مطالعاتی که در این زمینه صورت پذیرفته به اختصار اشاره می‌کنیم. در این راستا ممیزها از دو منظر معنایی و نحوی مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته‌اند که ابتدا مطالعات معنایی که توسط زبان‌شناسان خارجی و فارسی‌زبان در این زمینه انجام شده را بیان می‌کنیم و سپس

مطالعات و دیدگاه‌های نحوی را مرور می‌نماییم. در فصل سوم با ارائه چارچوب نظری این پژوهش که بر مبنای دستور زایشی و برنامه کمینه‌گرای چامسکی است به جنبه‌های مورد استفاده آن در این تحقیق اشاره کرده و به معرفی آن‌ها خواهیم پرداخت. در این فصل، ابتدا با مروری بر نظریه‌های دستور زایشی، به اختصار برنامه کمینه-گرای چامسکی را معرفی کرده و ساختار دستوری آن را ارائه می‌دهیم و مقوله‌های نحوی و تمایز بین آن‌ها را شرح می‌دهیم. در ادامه به گروه اسمی و سازه‌های تشکیل دهنده آن اشاره می‌کنیم و با بررسی سیر تحول گروه اسمی به گروه حرف تعریف، در بخش دیگری از این فصل به شرح گروه حرف تعریف می‌پردازیم. در فصل چهارم به بررسی ممیزهای عدد و نقش و کاربرد آن‌ها در زبان کردی کلهری می‌پردازیم. بخش اول به مقدمه‌ای برای فصل اختصاص می‌یابد. در بخش دوم این فصل با ارائه تعریفی از ممیزها، به بررسی کارکرد آن‌ها به عنوان مقوله‌های نقشی در ساختار اسمی می‌پردازیم. با مروری بر سازه‌های مختلف گروه حرف تعریف از جمله ممیزها در بخش سوم، جایگاه ساختاری سازه‌های مرتبط در گروه حرف تعریف را بر اساس رویکرد کمینه‌گرا مشخص می‌کنیم و به بررسی ساختار گروه حرف تعریف در زبان کردی کلهری خواهیم پرداخت. در بخش چهارم، سه مدل مختلفی که در رابطه با نقش ممیزها در درون گروه حرف تعریف و همچنین همنشینی آن‌ها با سایر سازه‌ها از جمله تکواژ شمار مطرح گردیده است ارائه می‌شود و در بخش بعدی، داده‌هایی از زبان کردی در قالب سه مدل ارائه شده مورد بحث و تحلیل قرار می‌گیرد. در انتها نیز نتیجه‌گیری نهایی پایان‌نامه و پیشنهاداتی برای پژوهش‌ها و تحقیقات آتی ارائه می‌گردد.

## ۷-۱ روش تحقیق

این پژوهش به روش توصیفی صورت پذیرفته است. نگارنده در ابتدا با بررسی و مطالعه منابع مرتبط با موضوع، به گردآوری داده‌ها و دیدگاه‌های مربوط به ممیزهای عدد پرداخته است که این داده‌ها مبتنی بر کتاب-ها و مقالاتی هستند که در رابطه با موضوع مورد بحث به نگارش درآمده‌اند و در فهرست منابع عنوان شده‌اند. سپس با به چالش کشیدن این دیدگاه‌ها تحلیلی از داده‌های زبان کردی کلهری ارائه شده است. در مورد داده‌های زبان کردی کلهری، اطلاعات نگارنده به‌عنوان گویشور این زبان منبع مورد استفاده بوده است.

# فصل دوم

## پیشینه مطالعات



## ۱-۲ مقدمه

با مروری بر مطالعات انجام شده در زمینه ممیزها می توان گفت که این عناصر از دو منظر بررسی شده اند که یکی از نقطه نظر معنایی و دیگری از لحاظ نحوی است. در این بخش ابتدا به تحقیقات معنایی که در رابطه با ممیزها صورت گرفته اشاره می کنیم و سپس در ادامه، به بررسی مطالعات نحوی این مقوله می پردازیم.

## ۲-۲ ممیزها از دید معنایی:

زبان تزوتزیل<sup>۱</sup> که یکی از زبان های مکزیکی است، هشت ممیز طبقه ای دارد که با توجه به ویژگی های معدود از نظر داشتن صفاتی چون شخص بودن، حیوان بودن، درخت بودن، دراز- سخت بودن، صاف- نرم بودن، چهار گوش- سخت- صاف بودن، گرد صاف بودن و گرد سه بعدی بودن انتخاب می شوند. در این زبان ممیز شمردن پرتقال که گرد است با ممیز شمردن شمع که دراز است تفاوت دارد (گراینوالد<sup>۲</sup> ۲۰۰۰: ۶۴). زبان ازبکی که یک زبان ترکی است دارای چهارده ممیز است (همان). در زبان بنگالی نیز که یک زبان هندواروپایی است هر اسمی که با عدد یا دیگر کمیت نما<sup>۳</sup>ها به کار رود واژه ممیز مناسب خود را باید داشته باشد. در این زبان بیشتر اسم ها ممیز عام «ta» را می گیرند؛ با این حال ممیزهای خاص تری نیز برای شمارش انسان ها به کار می رود:

---

1. Tzotzil  
2. Grinevald  
3. quantifier

1. a) Nôe-ta ghoṛ  
nine-CL clock  
'نه تا ساعت'

b) Kôe-ta balish  
how many-CL pillow  
'چند تا بالش'

c) Nek-jo lokÔ  
many-CL person  
'آدم‌های زیادی'

در زبان ژاپنی بیشتر اسم‌ها توده‌وارند؛ بنابراین ممیزها باید با آن‌ها به کار روند. انتخاب ممیز مناسب براساس نوع و شکل معدود صورت می‌گیرد. ویژگی‌های دخیل در این انتخاب عبارتند از: انسان‌بودن، حیوان‌بودن، پرنده-بودن، قایق‌بودن، مکانیکی‌بودن (مثل اتومبیل)، استوانه‌ای‌بودن (مثل مداد) و تخت‌بودن. (همان)

ممیزها می‌توانند در زبان‌های مختلف با تنوعات گسترده‌ای ظاهر شوند، لیونز<sup>1</sup> (۱۹۷۷) قائل به وجود دو نوع ممیز در زبان چینی شده و آن‌ها را در قالب ممیزهای طبقه‌ای<sup>۲</sup> و کمی<sup>۳</sup> دسته‌بندی کرده به این صورت که ممیزهای طبقه‌ای براساس نوع و ویژگی‌های معدود خود، آن‌ها را در طبقاتی قرار می‌دهند (2a) و ممیزهای کمی در قالب واژه‌های اندازه‌گیری معدود خود را قابل‌شمارش می‌سازند. مثال (22) از مانداری از این نوع است:

2. a) yi tiao xiangjiao  
one CL banana  
'یک عدد موز'

b) yi tung shui  
one CL water

---

1. Lyons  
2. sortal  
3. mensural

## ‘یک سطل آب’

(لیونز ۱۹۷۷: ۴۶۳)

ممیزها به عنوان واحد اندازه گیری در یک گروه اسمی از نظر معنایی لازم نیستند؛ به عنوان مثال تحلیل تاریخی پیدایش نظام ممیزها در زبان چینی نشان می دهد که ممیزها به عنوان یک مقوله دستوری بعد از دیگر مقولات دستوری وارد زبان چینی شده اند و هیچ گاه کاملاً "جزء بخش خود کار سطح دستوری چینی نشده اند. بنابراین هر چند با وجود این که ممیزها عموماً "برای کمی سازی و طبقه بندی اسمها در این زبان به کار می روند، اما کاربرد آنها اختیاری است (استاجی ۱۳۸۸).

لی (۲۰۰۰) در بررسی ممیزهای زبان چینی این سؤال را طرح می کند که اگر ممیزهای اسم به لحاظ معنایی و دستوری لازم نیستند، پس نقش آنها چیست؟ پاسخ وی این است که کاربرد آنها می تواند انگیزه کاربردشناختی داشته باشد. سان<sup>۱</sup> (۱۹۸۸، به نقل از لی ۲۰۰۰) با تحلیل چند داستان کوتاه بین کاربرد ممیز عدد و وضعیت مبتدایی گروه های اسمی ارتباطی پیدا کرد. تحلیل وی نشان داد پدیده ها یا مشارکین کلامی اصلی بیشتر از پدیده ها یا مشارکین کلامی فرعی امکان داشت که با ممیز عدد به کلام معرفی شوند. به نظر سان گروه های اسمی ممیزدار همیشه در سطح مبتدایی مهم اند. باین حال بخش عمده ای از داده های وی از این طریق قابل توضیح نبودند. لی (۲۰۰۰) در تحلیل خود به این نتیجه رسید که ممیزها گروه های اسمی را برجسته می سازند تا برجستگی آنها را در کلام نشان دهند. به نظر وی این نکته با اصل تصویرگونگی نیز مطابقت دارد. طبق این اصل پیچیدگی زبانی بازتابی است از پیچیدگی مفهومی یا برجستگی کلامی. تحلیل وی با اصل کمیت گیون (۱۹۹۱) که بیان می کند اطلاعات مهم تر با ماده زبانی بیشتری کدگذاری می شوند، نیز همخوانی دارد. علاوه بر این،

---

1. Sun

بررسی‌های پیشین نشان داده‌اند که ممیزهای عدد عموماً "در بندهای مستقل و مثبت ظاهر می‌شوند تا در بندهای پرسشی و بندهای منفی. این رفتار در برجسته‌سازی نیز دیده می‌شود (همان).

معمولاً "در اکثر دستورهای زبان فارسی در بحث عدد و وابسته‌های اسم به ممیز اعداد نیز اشاره‌ای شده و گاه فهرستی از این ممیزها ارائه گردیده است. نویسندگان دستور پنج استاد ممیز را این گونه تعریف می‌کنند که: "هر گاه بخواهند مقدار چیزی را معین کنند لفظی را که بر مقدار دلالت کند پس از عدد می‌آورند. مثل دو من قند، چهار سیر نبات. گاه پس از عدد لفظی مناسب معدود آورند. مثلاً در انسان نفر و در حیوان رأس" (قریب و دیگران: ۱۳۸۰).

در تحقیقی که در زمینه عدد در زبان فارسی توسط نشاط (۱۳۶۸) با عنوان "شمار و مقدار در زبان فارسی" انجام شده وی با ارائه فهرست مفصلی از ممیزها که به حدود ۱۶۰ مورد می‌رسد به این نکته اشاره می‌کند که غالب ممیزهای عدد مربوط به چند قرن پیش بوده و امروزه اکثر آن‌ها متروک است. وی همچنین با نقل قول از میرزا حبیب اصفهانی که گفته است: "پیش از عدد، افزودن پاره‌ای الفاظ برای تعیین معدود از مخترعات ایرانیان است" معتقد است که به کار بردن این گونه رابط‌های شماری و مقداری متنوع از ایرانیان است. با توجه به این که ممیزها در بسیاری از زبان‌ها کاربرد دارند، این نظر به هیچ صورتی درست نمی‌نماید. (نشاط ۱۳۶۸: ۱۸۳) همچنین به جنبه معنایی ممیزها اشاره می‌کند و می‌گوید: "معنی جمله ارتباطی با ممیزهای عددی ندارد مگر وقتی که ممیزهای عددی رابط‌های مقداری و عددی معینی باشند. مثلاً "سه کتاب و سه تا کتاب و سه مجلد کتاب و سه عدد کتاب همگی یکیست ولی پنج گرم قند با پنج کیلو قند متفاوت است" (همان: ۱۸۴). نکته‌ای را که نشاط در این مورد نادیده گرفته است تمایز ممیزهای کمی و طبقه‌ای است. وجود ممیزهای کمی که با اسامی توده‌وار غیرقابل شمارش همراه می‌شوند برای تعبیر معنایی جمله لازمند.